

واکنش علمای عربستان سعودی نسبت به کتاب

# الهیرو غلیفة تفسر القرآن

امام محمد امام  
مترجم: اصغر عسکری

## اشاره

از شمار مخالفان کتاب الهیرو غلیفة تفسر القرآن، علمای مجمع فقه اسلامی وابسته به «رابطة العالم الاسلامی» عربستان سعودی بودند که پاسخ خود به کتاب و نویسنده آن را در مجله «الشرق الاوسط» به چاپ رساندند. اعضای مجمع هم‌چنین، نویسنده کتاب را به توبه و اعلام برائت از نوشته‌های خود دعوت کردند و هشدار دادند. متن حاضر ترجمه این پاسخ است.

وی خواستار عرضه کتاب به دبیر کل انجمن جهان اسلام شد تا انجمن، دیدگاه شرعی خود را در مورد کتاب به استحضار نویسنده آن آقای «سعد عبدالمطلب العدل» برساند.

مجمع در این نشست، از طریق گزارش دکتر عبد الستار فتح الله سعید از مطالب این کتاب آگاهی یافت:

«نویسنده در این کتاب مدعی شده، حروف مقطعه و برخی دیگر از الفاظ قرآن، غیر عربی و برگرفته از زبان مصری باستان (هیروگلیف) می‌باشد؛ وی هم‌چنین تلاش نموده تا دیدگاه خویش را، تنها بر پایه حدس و گمان تبیین نماید».

مجمع علمای سعودی ضمن تقبیح این جسارت نسبت به کتاب خدا، تأکید کرد: «مؤلف کتاب برای اثبات نظریات خویش، روشی استوار و علمی در پیش نگرفته، و در جایگاهی که جز با روش علمی صحیح نمی‌توان اظهار نظر کرد، به حدس و گمان بسنده کرده است؛ حال آن‌که خداوند تبارک و تعالی در قرآن فرموده است:

«إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ رَبِّهِمْ الْهُدَى»: آنان جز گمان و آنچه را که دلخواه‌شان است پیروی نمی‌کنند با آن‌که قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است (نجم / ۲۳).

و هم‌چنین در آیه ۲۸ همین سوره آمده است:

«وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»: و ایشان را به این کار معرفتی نیست، جز گمان خود را پیروی نمی‌کنند و در واقع گمان در وصول به حقیقت هیچ

این روزها برگزاری سلسله جلسات «ایام فقهیه» در مکه مکرمه، مناقشات گسترده‌ای را در جهان اسلام برانگیخته است. هفدهمین دور این سلسله نشست‌ها موسوم به «مجمع فقه اسلامی وابسته به اتحادیه جهان اسلام» از ۱۹ تا ۲۳ شوال (۱۳ تا ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ میلادی) در مکه مکرمه برگزار شد. در این نشست، نظر علما و فقهای مجمع، پیرامون موضع‌گیری دینی کتاب هیرو گلیف قرآن را تفسیر می‌کند اعلام شد. در ابتدا، برخی از علما عقیده داشتند مجمع نایست نظری راجع به کتاب صادر کند مبادا که این جنجال، سبب ترویج بیشتر کتاب و برانگیختن حس کنجکاوی مردم برای خواندن آن و در نتیجه، گمراهی افکار عمومی مسلمانان گردد؛ اما از طرف دیگر، تعدادی از علما بر لزوم بررسی موضوع و اتخاذ تصمیمی قاطع نسبت به مطالب آن تأکید کردند.

مجمع این گستاخی نسبت به کتاب خدا و درج مطالب غیر علمی و ضد دینی را ناپسند توصیف کرد، و از نگارش چنین کتابی توسط کسی که خود را مسلمان دانسته، قرآن را به زبان عربی می‌خواند، اظهار شگفتی کرد؛ و تأکید نمود مطالب این کتاب، تنها دروغ و فرضیه‌پردازی نویسنده آن است که بر پایه‌های علمی درستی استوار نیست.

در تاریخ ۱۴/۱۱/۱۴۲۲ قمری نامه‌ای از طرف وزیر معارف عربستان سعودی به مفتی اعظم عربستان سعودی، رئیس هیأت علمای بزرگ، رئیس اداره پژوهش‌های علمی و امور فتاوی و رئیس مجمع فقه اسلامی، فرستاده شد؛ سپس در تاریخ ۱۴۲۳/۳/۹ قمری



سودی نمی‌رساند.

محتویات کتاب و آنچه نویسنده به خدا نسبت داده، پایه علمی ندارد و مخالف با نص صریح قرآن و سنت و سخنان صحابه و پیشوایان تفسیر است. خداوند در آیه ۱۰۳ سوره نحل می‌فرماید:

«لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»:

زبان کسی که این نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است حال آن که این قرآن به زبان عربی روشن است.

هم‌چنین در آیات ۱۹۳ تا ۱۹۵ سوره شعراء می‌فرماید:

«نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ

عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»؛ روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از [جمله] هشداردهندگان باشی به زبان عربی روشن.

و نیز آیات اول تا سوم فصلت، آیه ۴۴ همین سوره و همین‌طور

آیه ۹۷ سوره مریم نیز همین مضمون را دارند:

«حَم \* تَنْزِيلٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا

عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» \* (حم(۱) وحی [نامه‌ای است از جانب [خدای] رحمتگر مهربان (۲) کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده، قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند (۳).

«وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ

وَعَرَبِيٌّ»؛ و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم قطعاً می‌گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب (فصلت/ ۴۴).

«فَأَنَّمَا يُسْرِنَاهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا»:

در حقیقت ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید و مردم سستیزجو را بدان بیم دهی (مریم/ ۹۷).

که تمامی این آیات و بسیاری دیگر از آیات قرآن، خود دلیلی آشکار بر عربی بودن قرآن هستند، چرا که زبان پیامبر عربی بود، و خداوند در آیه ۴ سوره ابراهیم فرموده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رُّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ»؛ و ما هیچ

پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند.

از سخنان نویسنده چنین برداشت می‌شود قرآن به زبانی نازل شده که پیامبر و صحابه آن را نمی‌فهمیده‌اند و اینک پس از چهارده قرن مؤلف به معانی آن پی برده است.

«سبحانک هذا بهتان عظیم»؛ منزهی تو، این بهتانی بزرگ

است(نور/ ۱۶).

تمام مفسرین از زمان صحابه تاکنون اجماع داشته‌اند که این الفاظ یعنی حروف مقطعه، عربی هستند و هیچ روایتی - حتی ضعیف

- مبنی بر غیر عربی بودن این الفاظ نقل نشده است؛ تنها اختلاف

نظر در این مورد است که آیا این الفاظ را باید رموزی دانست که علم آن تنها مخصوص خداست و یا الفاظی که فهم آن‌ها برای انسان میسر است؟؛ قائلین به نظر دوم وجوه مختلفی را برای فهم منظور این الفاظ بیان داشته‌اند، اما هیچ‌کدام آن گونه که این مؤلف یاوه‌گو مدعی شده، اشاره‌ای به غیر عربی بودن این آیات نکرده است.

و اگر این آیات را از شمار متشابهات بدانیم، امام شافعی و دیگران گفته‌اند: «تفسیر متشابه تنها بر طبق سنتی از رسول خدا یا روایتی از صحابه و یا اجماع علما جایز است».

و خداوند در آیه ۳۶ سوره اسرا می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»؛ و چیزی را که بدان علم نداری

دنبال مکن.

ترمذی از ابن عباس نقل می‌کند که وی از پیامبر(ص) شنید:

«من قال في القرآن بغير علم فليتبوأ مقعده من النار»؛ «هر کس بدون علم در مورد قرآن اظهار نظر کند، جایگاهش دوزخ است».

علما اجماع دارند که تفسیر قرآن، با تکیه بر نظر شخصی و

اجتهاد غیر اصولی جایز نیست، هنگامی که از ابوبکر صدیق راجع به آیه‌ای که معنای آن را نمی‌دانست، پرسیده شد؛ وی گفت: «ای زمین مرا فرو بر، و ای آسمان بر من فرو ریز، اگر من در مورد کتاب خدا چیزی بگویم که راجع به آن اطلاعی ندارم». روشی که نویسنده

- که البته وی برای اجتهاد صلاحیت ندارد - بدان تمسک جسته در شریعت اسلام و پژوهش در زبان مصر باستان هیچ جایگاهی ندارد. وی برای اثبات ادعای خود مبنی بر عجمی بودن حروف

مقطعه و تحمیل منظور و غرض خویش به تعبیر نص قرآن دست زده، آن را به صورت شفاهی و گفتاری درآورده است.

نیز، کارشناسان زبان مصر باستان کار وی را نادرست و به دور از اصول صحیح علمی دانسته‌اند. نویسنده هم‌چنین در سیاق معانی بدعت‌آمیز کتاب خود، از هتک حرمت نسبت به رسول خدا فروگذار

نبوده، ایشان را انسانی شکاک توصیف کرده که پیرو هوای نفس خویش و دیگران بوده است، و توهین‌های زشت دیگری که نسبت به شخص نبی مکرم اسلام در برخی صفحات کتاب آمده است.

مجمع فقه اسلامی علمای سعودی، نویسنده را به توبه و اعلام بی‌زاری از آن چه نگاشته دعوت کرده، تذکر داده هیچ مسلمانی چه

به صورت فردی، گروهی و یا چه در قالب نهادها، حق انتشار، نقل یا تأیید مطالب کتاب را ندارد؛ باشد که عامه مسلمین فریب مطالب آن را نخورند.